

بررسی عملکرد تجربه نقشه راه رشد غیرتورمی و فقرزدایی دولت

مرجانہ بشخور^۱

چکیده

مشکل تورم بیش از ۴ دهه است که بر اقتصاد کشور حاکم و به‌رغم تلاش‌ها و سیاست‌گذاری‌ها برای حل آن، همچنان به‌عنوان دغدغه اصلی سیاست‌گذاران مطرح است. در آذر سال ۱۴۰۰، سندی به نام رشد غیرتورمی و فقرزدا ارائه و یکی از اهداف اصلی آن، مهار تورم عنوان شد. بررسی راهکارهای پیشنهادی در این سند با گذشت حدود ۹ ماه از عملیاتی شدن آن، حاکی است که این سند چه از نظر هدف‌گذاری و چه از نظر رصد متغیرهای هدف این سیاست‌گذاری، نه‌تنها به هدف مهار تورم نائل نشده، بلکه حتی برخی از متغیرها وضعیت نامطلوبی را تجربه کرده است. می‌توان گفت تضاد بین اهداف و راه‌حل‌های ارائه‌شده، نبود شفافیت و کلی‌گویی، توجه نکردن به سازوکارهای تأثیرگذاری سیاست‌ها و درنهایت، نبود تمرکز بر عوامل اصلی ایجادکننده تورم در اقتصاد ایران از مهم‌ترین دلایل شکست سیاست‌های مهار تورم در کشور و نیز این سند است. از این‌رو مادی که مشکلات نهادی کشور از جمله فساد، انحصارات، ساختار بودجه و بودجه‌نویسی، مسئله دستیابی به ارزآوری پایدار، مشکلات مربوط به بخش تولید، انتظارات، ریسک و سرمایه‌گذاری مورد توجه هم‌زمان قرار نگیرد، سیاست‌گذاری‌ها راه به جایی نمی‌برد و در بلندمدت یا حتی میان‌مدت تشدید تورم را به همراه دارد.

واژگان کلیدی: رشد غیرتورمی، فقرزدایی، متغیرهای پولی، نرخ ارز.

مقدمه

۹/۸ درصد در سال ۱۳۹۶ کاهش یافت، اما این روند نزولی ادامه‌دار نبود و با جهش ۲۱/۵ واحد درصدی به حدود ۳۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافت و در انتهای سال ۱۴۰۱، به حدود ۴۶ درصد رسید. کاهش سرانه مصرف گوشت، مرغ، لبنیات و محصولات پروتئینی، کاهش تقاضا برای میوه‌ها و سبزیجات، افزایش تعداد افراد زیر خط فقر^۲، افزایش

نگاهی به روند تورم نشان می‌دهد که این شاخص از حدود ۱۵/۸ درصد در سال ۱۳۸۱، به حدود ۲۵/۴ درصد در سال ۱۳۸۷ و حدود ۳۵ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است (در برخی از سال‌ها کاهش‌های اندکی در این شاخص مشاهده شده است). روند افزایشی این شاخص در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ معکوس شد و درنهایت، به حدود

۱. پژوهشگر گروه اقتصاد مقاومتی و برآورد اقتصادی، مرکز پژوهشی امنیت اقتصادی تدبیر، تهران، ایران mballameh1398@gmail.com
۲. بر اساس گزارش منتشرشده وزارت تعاون (۱۴۰۰)، نرخ فقر از ۲۲ درصد در سال ۱۳۹۶ (با تورم ۷/۲ درصد)، به ۳۲ درصد در سال ۱۳۹۸ (با تورم ۲۲ درصد) افزایش یافته است. شواهد حاکی است که این نرخ در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ نیز رشد داشته است. این یعنی تعداد بسیار بیشتری از افراد در زیر خط فقر قرار گرفته‌اند.

۱- مروری بر بعد غیرتورمی سند رشد غیرتورمی و فقرزدا

در آذر سال ۱۴۰۰، وزارت امور اقتصادی و دارایی اقدام به ارائه نقشه راه رشد غیرتورمی کرد. در این نقشه راه، بر دو هدف اصلی مهار پایدار تورم و رشد آفرینی و رونق تولید تأکید شده است. همان طور که در نمودار شماره ۱ مشاهده می شود، از جمله راهکارهای پیشنهادی کوتاه مدت برای مهار تورم در این طرح، کاهش فشار بر تراز ارزی و مهار نوسانات ارز و کاهش انتظارات تورمی و از جمله راهکارهای میان مدت آن، انضباط بخشی به خلق پول بانکی و رفع ناترازی بودجه است.

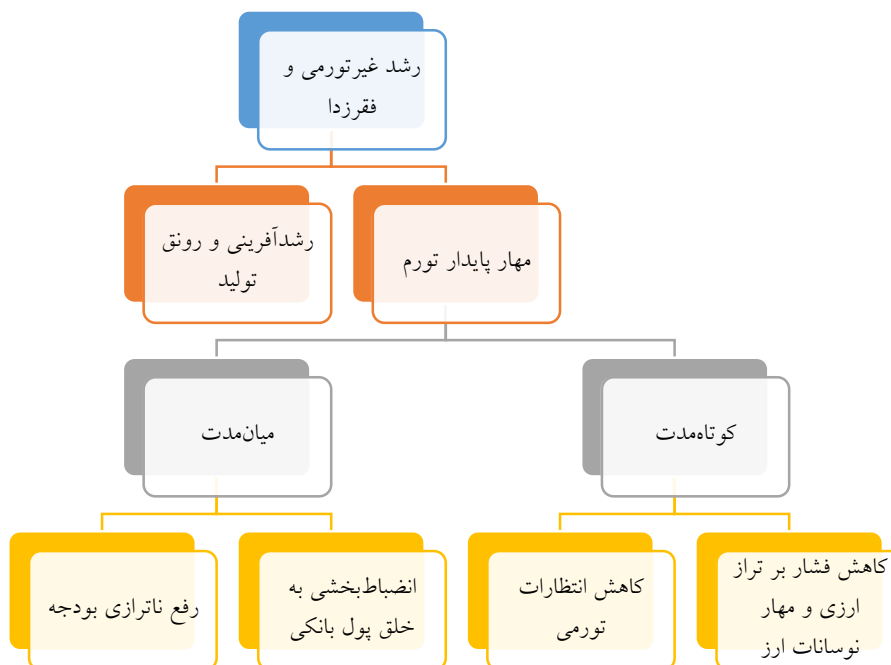
کاهش هزینه ها در بخش سلامت نیز نتیجه ای جز آسیب هرچه بیشتر به اقتصاد نخواهد داشت؛ زیرا کاهش حمایت های دولت در این حوزه از سویی موجب کاهش هرچه بیشتر بهره وری و از سوی دیگر، تشدید هرچه بیشتر سرمایه اجتماعی می شود و در بازگشت، هزینه های بسیار بیشتری به دولت تحمیل می کند. برخی از این راهکارها تنها در اقتصادهای سالم و پویا و آن هم با در نظر گرفتن تمام آثار مثبت و منفی و چاره سازی درباره آنها قابل اجراست حال آنکه اقتصاد ایران در بیش از یک دهه گذشته، بیشتر ظرفیت خود را مصرف کرده است و فرصتی برای ترمیم و بازسازی در راستای تحمل این سیاست ها ندارد.

ضریب جینی^۱ و... از جمله پیامدهای منفی ناشی از این شرایط است که امنیت اقتصادی-اجتماعی و در مجموع، امنیت ملی را تهدید می کند. اهمیت این موضوع با توجه به این نکته برجسته تر می شود که نگاهی به شاخص تورم منتشر شده مرکز آمار نشان می دهد در دوره ۱۳۹۷ تا شهریور سال ۱۴۰۱، شاخص قیمت مصرف کننده حدود ۳۶۵/۴ درصد رشد داشته در حالی که حداقل دستمزد ماهانه در این دوره تنها حدود ۲۷۶ درصد رشد داشته است. از این رو قدرت خرید و در نتیجه، تقاضای مؤثر در این دوره به اندازه زیادی کاهش یافته است.

در چنین شرایطی، در آذر سال ۱۴۰۰، نقشه راه رشد غیرتورمی و فقرزدا تدوین و به مرحله اجرا گذاشته شد. دستیابی حداقلی به نتایج این سند موجب شد که رهبر معظم انقلاب در سال جاری، توجه ویژه ای به مهار تورم و رشد تولید فرمایند. با توجه به اهمیت موضوع، در این گزارش به بررسی برخی اقدامات انجام شده در راستای مهار پایدار تورم در چهارچوب این سند و نتیجه بخش بودن آن بعد از گذشت ۹ ماه از عملیاتی شدن آن پرداخته می شود. برای همین، ابتدا بخشی از مهم ترین اقدامات مورد توجه در این سند در کنار روند تغییر متغیرهای هدف بحث می شود. در ادامه، به بیان ملاحظات امنیت اقتصادی ادامه چنین مسیری پرداخته و در نهایت، راهکارهای پیشنهادی کمک کننده در تحقق مهار تورم و رشد تولید در سال جاری ارائه می شود.

۱. بر اساس گزارش مرکز آمار، ضریب جینی از حدود ۰/۳۷ در سال ۱۳۹۹، به حدود ۰/۴۱ در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است.

نمودار ۱- اقدامات پیشنهادی برای مهار پایدار تورم در سند رشد غیرتورمی و فقرزدا



مأخذ: وزارت اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰.

کارشناسان بارها اثر شوک این اقدام بر بازار ارز و نرخ تورم و نیز خطرات امنیت اقتصادی ناشی از آن را تذکر داده‌اند. پیش‌بینی‌ها حاکی از این بود که با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی از دو ناحیه تشدید تورم و کاهش هرچه بیشتر قدرت خرید پول ملی و همچنین، افزایش فشار تقاضا در بازارهای مالی و نیز فعالیت‌های سفته‌بازانه و تشدید انتظارات منفی، نوسانات نرخ ارز تشدید می‌شود؛ ضمن اینکه روند تورم در سطح جدیدی پیگیری خواهد شد.

- برخی از اقدامات پیشنهادی در صورت عزم جدی دولت برای اجرایی شدن، در کوتاه‌مدت انجام‌شدنی و قادر به تأثیرگذاری بر کاهش نوسانات نرخ ارز نیست. برای مثال، تجربه

۱-۱- کاهش فشار بر تراز ارزی و مهار نوسانات ارز

از جمله راهکارهای کوتاه‌مدت برای مهار تورم، کاهش فشار بر تراز ارزی و مهار نوسانات ارز و از جمله اقدامات ضروری برای حصول مهار نوسانات ارزی، استفاده از دیپلماسی فعال برای وصول منابع بلوکه‌شده ارزی، انعقاد پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه، ارتقای سازوکارهای پیشگیری از قاچاق ارز توسط FIU¹، کاهش ممنوعیت‌های صادراتی، تهاتر نفت، حذف تدریجی ارز ۴۲۰۰ تومانی، تقویت پیمان‌سپاری ارزی و تسهیل اجرای آن و ایجاد بازارهای آتی است. باید توجه داشت که

- در بین اقدامات پیشنهادی نوعی تضاد مشاهده می‌شود. برای مثال، از جمله اقدامات ضروری برای مهار نوسانات ارز، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی عنوان شده است. این در حالی است که

1. Financial Intelligence unit

اندازه تأثیرگذار بوده است، باید حجم صادرات صورت گرفته در ۹ ماه گذشته و حجم ارزی که تنها از ناحیه این صادرات در این دوره به کشور وارد شده است، مورد توجه قرار گیرد. در غیر این صورت هرگونه ارزیابی دارای تورش است و موجب اشتباه سیاست‌گذار می‌شود. از سوی دیگر، مقایسه دستورالعمل‌های بازگشت ارز حاصل از صادرات در سال‌های ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ نشان می‌دهد قانون سال ۱۴۰۱ تفاوت زیادی با قانون سال ۱۳۹۹ نداشته و عمده این تفاوت در مهلت مقرر برای بازگشت ارز و نیز عدم الزام به اعلام همه خریده‌ها و فروش‌ها در برخی شیوه‌های بازگشت ارز است که البته احتمال فقدان شفافیت بیشتر را به همراه دارد. در دستورالعمل ارائه شده در سال ۱۴۰۱، به جریمه عمل نکردن به تعهد اشاره نشده و درباره آن تعیین تکلیف یا ارجاع نشده است.

- درباره کاهش ممنوعیت‌های صادراتی با توجه به تجربه کشور برای صادرات معکوس به خصوص صادرات کالاهای اساسی، بروز موج‌های کمبود کالا (چه به دلیل کمبود ذخایر یا احتکار و...) و نیز شرایط کنونی جهان درباره موضوع کالاهای استراتژیک، لازم است تا سیاست‌گذار به بررسی عمیق و همه‌جانبه فرصت‌ها و تهدیدات احتمالی ناشی از اجرای این اقدام بپردازد و سپس درباره اجرای آن تصمیم‌گیری کند. این موضوع درباره تهاتر

سال‌های گذشته نشان می‌دهد که انعقاد پیمان‌های پولی یا به نتیجه رسیدن دیپلماسی اقتصادی به گونه‌ای که منافع ایران در آن حفظ شود و نیز ارتقای سازوکارهای مبارزه با قاچاق ارز نه تنها در بازه زمانی کوتاه‌مدت، بلکه در بازه زمانی بلندمدت نیز محقق نشده است. از سوی دیگر، اشاره به استفاده از FIU برای مبارزه با قاچاق ارز، موضوعی خارج از حوزه وظایف قانونی تعریف شده برای این مرکز است؛ زیرا مرکز اطلاعات مالی، مرکزی ملی است که مسئولیت دریافت، تجزیه و تحلیل گزارش‌های تراکنش‌های مشکوک و دیگر اطلاعات مربوط به پول‌شویی، جرائم منشأ مرتبط و تأمین مالی تروریسم و نیز ارسال نتایج به دست آمده به مراجع ذیصلاح را بر عهده دارد. همچنین بعد از گذشته ۹ ماه از انتشار و تأکید بر اجرای این سند، هنوز اخبار رسمی درباره اجرای این راهکارها منتشر نشده است.

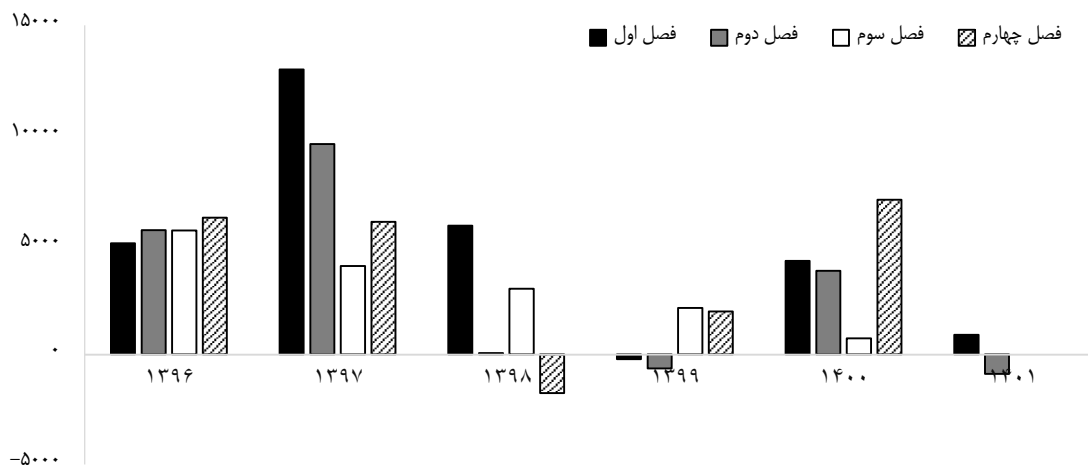
- در مورد سیاست پیمان‌سپاری ارزی، بر اساس آمارهای غیررسمی، بازگشت ارز حاصل از صادرات در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، حدود ۸۵ درصد بوده است. با توجه به اینکه سیاست رشد غیرتورمی و فقرزدا در آذر سال ۱۴۰۰ مورد تأکید قرار گرفت، اما آمار اعلام شده بر اساس مجموع سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ است و ارزیابی تأثیرگذاری این سند و اقدام مطرح شده با عنوان تقویت پیمان‌سپاری ارزی امکان‌پذیر نیست. همچنین، برای بررسی اینکه این سیاست تا چه

از نظر تراز ارزی و تراز پرداختها نیز مطابق نمودار شماره ۲، در ۳ ماه آخر سال ۱۴۰۰، میزان تراز بازرگانی نسبت به فصل پیش از آن به اندازه زیادی افزایش یافت، اما در دو فصل بعدی این مازاد به میزان زیادی کاهش یافت. به عبارت دیگر، در ۴ ماه اول سال ۱۴۰۱، صادرات کشور تنها پاسخگوی نیاز وارداتی بود. با توجه به اینکه تقاضای بازار ارز شامل اجزای دیگری از جمله تقاضا برای خدمات، تقاضا برای خروج سرمایه (حساب مالی و سرمایه)، تقاضا برای بازپرداخت بدهی‌های خارجی، تقاضای سفته‌بازی و همچنین، هزینه مبادله برای دور زدن تحریم‌هاست، به نظر نمی‌رسد که این سیاست فشار تقاضا در بازار ارز و تراز ارزی را به شکل محسوسی حتی در ۳ ماه آخر سال ۱۴۰۰، کاهش داده باشد^۱.

کلایی در موضوع پیمان‌سپاری ارزی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

به نظر می‌رسد در زمان نگارش این گزارش، از بین اقدامات مورد اشاره، تنها حذف یک‌باره ارز ترجیحی انجام شده است و درباره دیگر راهکارهای پیشنهادی و مسیر عملیاتی آن‌ها به صورت عمومی اطلاعاتی در دسترس نیست. این راهکارها، راهکارهایی هستند که طی ۵ سال و برخی از آن‌ها طی ۱۰ سال گذشته به کرات مورد تأکید قرار گرفته‌اند، اما عملیاتی نشدند. در این سند انتظار بود که اثر نهایی این اقدامات در کاهش فشار بر تراز ارزی و کاهش نوسانات ارز مشاهده شود در حالی که در سال گذشته، نرخ ارز از حدود ۲۵ هزار تومان به بیش از ۴۸ هزار تومان افزایش یافت (و حتی در ماه‌های انتهایی گاه به بیش از ۶۰ هزار تومان نیز رسید) و در عرض یک سال، ۹۴ درصد رشد داشت.

نمودار ۲- مازاد تراز بازرگانی فصلی در دوره ۱۳۹۶ تا تیر سال ۱۴۰۱



مأخذ: وبگاه بانک مرکزی.

۱. در ۳ ماه آخر سال ۱۴۰۰، میزان بدهی خارجی کوتاه‌مدت کشور، ۸۱۴۹ میلیون دلار و میزان بدهی بلندمدت آن، ۱۱۸۵ میلیون دلار بوده است. بنابراین، تنها تقاضا برای ارز از ناحیه پرداخت بدهی‌های خارجی، ۹۳۳۳ میلیون دلار بوده است. اگر به این تقاضا، تقاضای ۱۶۰۷ میلیون دلاری برای خدمات و ۱۷۹ میلیون دلاری برای درآمد را در ۳ ماه آخر سال ۱۴۰۰ بیفزاییم، مشهود است که این مازاد تراز بازرگانی حتی پاسخگوی تقاضای مشهود برای ارز نیز نبوده است.

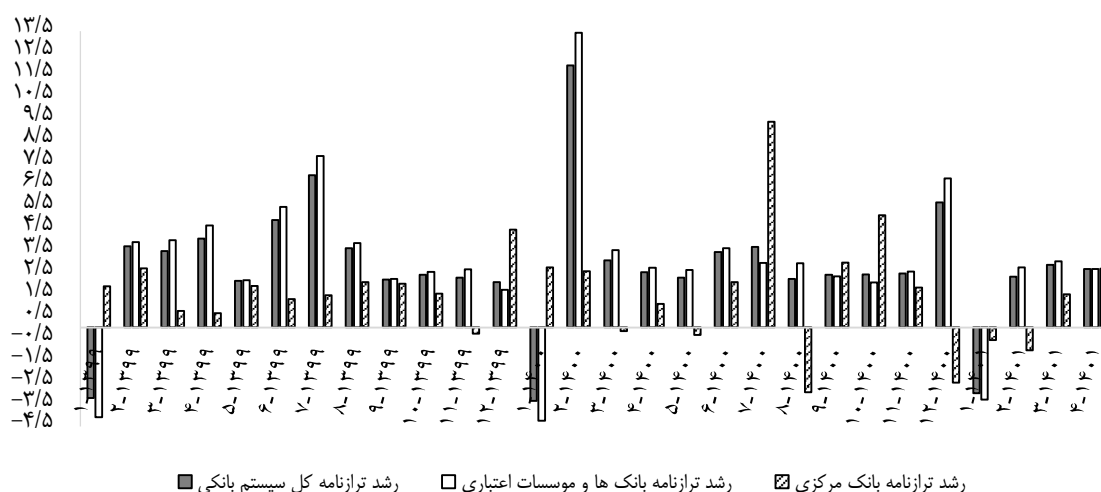
۲-۱- انضباط بخشی به خلق پول

هر یک ریال خلق شده، حدود ۹۰ درصد آن سهم ۲/۵ درصد ثروتمند بوده است. در چنین شرایطی، اتخاذ سیاست‌های پولی انقباضی بدون توجه به مشکلات بخش تولید، ساختار تولید و نرخ ارز و نیز بدون توجه به وضعیت نامناسب شاخص‌های ساختاری-نهادی (از جمله فساد در توزیع تسهیلات)، نتیجه‌ای جز کاهش هرچه بیشتر تقاضای مؤثر و تعمیق هرچه بیشتر رکود نخواهد داشت که این موضوع با هدف رشد غیرتورمی کاملاً در تضاد است.

همان‌طور که در نمودار شماره ۳ مشاهده می‌شود، رشد ترازنامه کل سیستم بانکی، بانک مرکزی و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در ۷ ماه گذشته همواره بیشتر از ۲ درصد تعیین شده در این سند بوده است.^۱ مطابق این نمودار، نه تنها این رشد محدود نشده، بلکه در سطح رشد ترازنامه بانک‌ها در بحرانی‌ترین سال‌های اقتصاد کشور یعنی سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ بوده است.

در بحث انضباط بخشی به خلق پول بانک‌ها راهکارهایی مانند محدودسازی رشد ماهانه ترازنامه بانک‌ها به ۲ درصد، نظارت بر کیفیت تسهیلات بانکی، ثبات بخشی به نرخ بهره در بازار بین‌بانکی و تفکیک واقعی سپرده‌های جاری از مدت‌دار مورد توجه قرار گرفته است. از مجموع اقدامات پیشنهادی برای انضباط بخشی به خلق پول چنین استنباط می‌شود که سند رشد غیرتورمی دارای نوعی تضاد آشکار ناشی از درک نادرست علت تورم در کشور است. آنچه در واقعیت اقتصاد مشهود است، علت اصلی تورم در کشور، تورم ناشی از فشار هزینه و تورم ساختاری-نهادی است و بخش حداقلی از تورم را می‌توان به خلق پول در اقتصاد نسبت داد. در واقع، حدود ۹۰ درصد سپرده‌های مدت‌دار تنها متعلق به ۲/۵ درصد سپرده‌گذاران است. بنابراین، مشهود است که تورم وظیفه توزیع درآمد به نفع ثروتمندان را به خوبی اجرا کرده و از

نمودار ۳- مقایسه رشد ماهانه ترازنامه سیستم بانکی از فروردین سال ۱۳۹۹ تا تیر سال ۱۴۰۱



مأخذ: وبگاه بانک مرکزی.

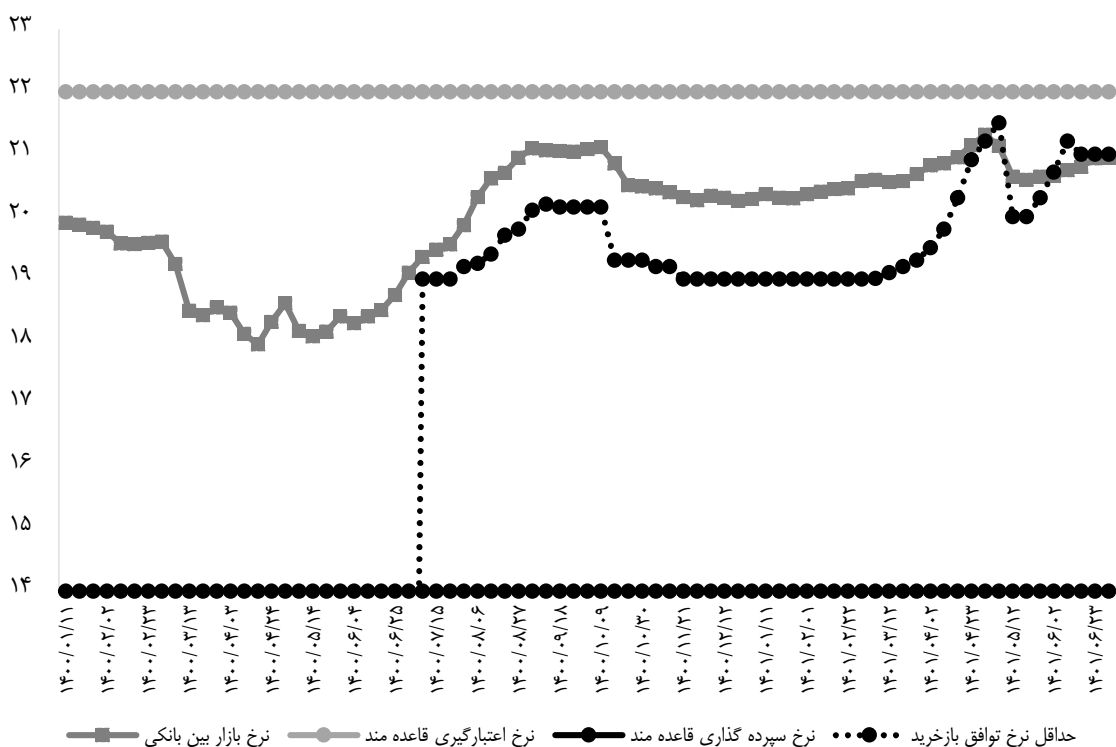
۱. در فروردین به دلیل عدم اعطای وام در ماه پایانی سال پیش و ماه آغازین سال جدید، در تمام سال‌ها ترازنامه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری رشد منفی دارد.

نزدیک شده است. بنابراین، اگر منظور از ثبات بخشی به نرخ بهره بین بانکی، ثابت ماندن آن باشد، این موضوع انجام نشده است و اگر منظور حفظ این نرخ در کریدور باشد، این نرخ در حال حاضر در این بازه قرار دارد، اما با توجه به روند فزاینده آن، احتمال خروج این نرخ از این بازه وجود دارد.

همان طور که در نمودار شماره ۴ مشاهده می شود، نرخ قرض گیری بین بانکی و نرخ توافق با خرید در بازه بین حداقل (نرخ سپرده گذاری قاعده مند) و حداکثر (نرخ قرض گیری قاعده مند) نرخ بهره قرار دارد، اما از آذر سال ۱۴۰۰ تا آخر سال ۱۴۰۱، این نرخ ها روند افزایشی داشته و به حد بالایی بازه بسیار

نمودار ۴- روند نرخ بهره بین بانکی، نرخ توافق با خرید، نرخ قرض گیری قاعده مند و نرخ سپرده گذاری قاعده مند از

فروردین سال ۱۴۰۰ تا شهریور سال ۱۴۰۱

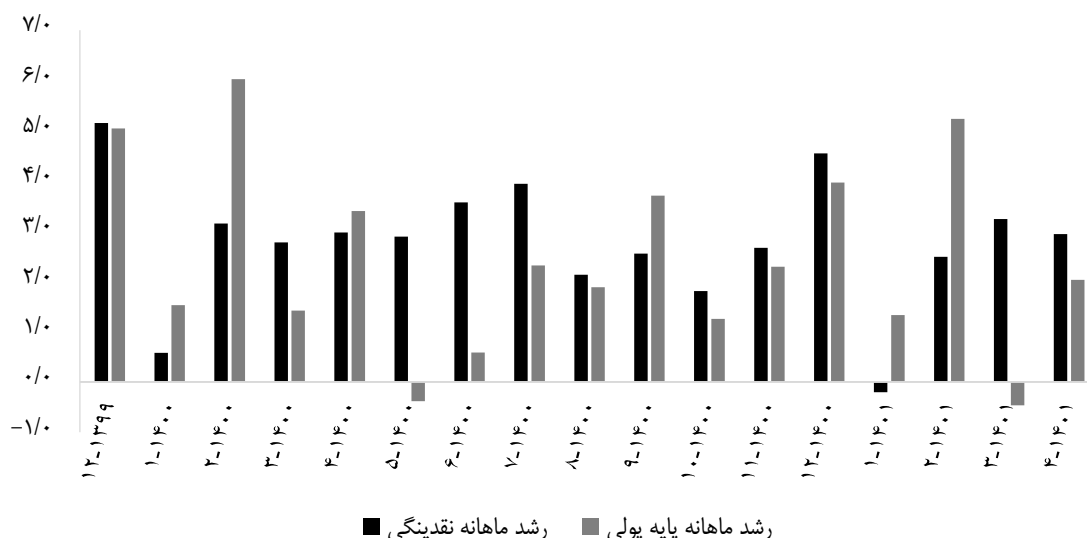


مأخذ: وبگاه بانک مرکزی.

در سال گذشته، نرخ ارز از حدود ۲۵ هزار تومان به بیش از ۴۸ هزار تومان افزایش یافت و در عرض یک سال، ۹۴ درصد رشد داشت.

برای درک بهتر عملکرد این سند در راستای انضباط بخشی به خلق پول بانکی، اجزای نقدینگی در ماه های اخیر بررسی می شود. همان طور که در نمودار شماره ۵ مشاهده می شود، رشد پایه پولی و نقدینگی کشور در ۷ ماه گذشته، الگوی منظمی نداشته و ثابت نیز نمانده است.

نمودار ۵- رشد ماهانه نقدینگی و پایه پولی در دوره فروردین ۱۴۰۰ تا تیر سال ۱۴۰۱



مأخذ: وبگاه بانک مرکزی.

و دستمزد کارکنان و مستمری بازنشستگان در راستای عدالت در نظام پرداخت توسط سازمان اداری و استخدامی با همکاری سازمان برنامه و بودجه، سامان‌دهی درآمد و هزینه‌های شرکت‌های دولتی است.

درباره راهکار میان‌مدت در بحث افزایش منابع بودجه مواردی از جمله اصلاح نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی گمرکی، کارآمدسازی نظام تخصیص یارانه‌های انرژی، استفاده از منابع حاصل از واگذاری زمین، اصلاح پایه مالیاتی (مالیات بر مجموع درآمد، مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر ارزش زمین و...)، اصلاح نظام مالیاتی از رویکرد ممیزمحور به رویکرد سیستم‌محور (سامانه مؤدیان، شفافیت تراکنش‌ها و...)، سامان‌دهی معافیت‌های مالیاتی و تبدیل آن‌ها به معافیت‌های پایه خانوار مورد توجه قرار گرفته است. نقدی که به‌طورکلی بر این سند وارد است، این است که بازه زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت در آن

۳-۱- کنترل بودجه و انتظارات

درباره رفع ناترازی بودجه دولت، راهکارهای میان‌مدت بر سمت مصارف بودجه متمرکز است که عبارت از اعمال سقف بر رشد اسمی هزینه‌های دولت در بودجه‌های سنواتی (نصف تورم هدف‌گذاری شده)، انضباط‌بخشی به بودجه (در حوزه حقوق و دستمزد با پرداخت متمرکز از خزانه به کد ملی مشخص و وضع و اعمال قواعد استخدامی و در حوزه خریدهای دولتی با سلب اعتبار از ایجاد تعهد خارج از سامانه ستاد و درنهایت، حذف فرابودجه و انتقال آن به بودجه)، کاهش هزینه در مراکز عمده مصارف (حوزه صندوق‌های تأمین اجتماعی از طریق ارائه بسته‌های پارامتریک در این صندوق‌ها توسط وزارت کار و رفاه اجتماعی، حوزه سلامت با ارائه طرح مدیریت هزینه‌های سلامت توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و حوزه پرداخت به کارکنان از طریق ارائه بسته اصلاحات نظام حقوق

باید توجه داشت که برخی از این راهکارها تنها در اقتصادهای سالم و پویا و آن هم با در نظر گرفتن تمام آثار مثبت و منفی و چاره‌سازی درباره آن‌ها قابل اجراست حال آنکه اقتصاد ایران در بیش از یک دهه گذشته، بیشتر ظرفیت خود را مصرف کرده است و فرصتی برای ترمیم و بازسازی در راستای تحمل این سیاست‌ها ندارد. از این‌رو اجرای شتاب‌زده این سیاست‌ها مانند حذف ارز ترجیحی، نتیجه‌ای جز بدتر شدن وضعیت تورم و رفاه عمومی ندارد. از بین اقدامات پیشنهادی برای افزایش منابع، تنها اقداماتی برای افزایش دریافت‌های مالیاتی انجام شده که اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان و تفکیک حساب‌های تجاری و شخصی از این اقدامات است، اما میزان کارایی و اثربخشی این اقدامات نامشخص است.^۱ از نظر کنترل انتظارات نیز به نظر می‌رسد این سند با نوعی خوش‌بینی توأم با درک ناقص از مفهوم انتظارات و عوامل ایجادکننده آن، پیشنهاد کنترل انتظارات را در مفهومی عام ارائه کرده است. این در حالی است که واقعیت انتظارات منفی حاکم بر فضای کلان اقتصادی کشور در دو موضوع ریسک و فساد ناشی از ضعف نهادی نهفته است. از این‌رو مادامی‌که این دو منبع ایجادکننده انتظارات منفی در کشور به‌صورت ریشه‌ای حل نشود، کنترل انتظارات چندان محتمل به نظر نمی‌رسد.

تعریف نشده است. در واقع، برخی از اقدامات پیشنهادی کوتاه‌مدت برای کاهش مصارف دولت در بهترین حالت در بودجه سال بعد قابل اعمال است. برای مثال، اعمال سقف بر رشد اسمی هزینه‌های دولت. نکته دیگری که از اظهار نظر مسئولان مشاهده می‌شود، این است که این بند عمدتاً به دنبال تثبیت حقوق کارمندان و جلوگیری از افزایش آن متناسب با نرخ تورم است. باید توجه داشت اگر این سقف برای دستمزد مدیران عالی اعمال شود، ضمن اینکه تا اندازه زیادی از افزایش هزینه‌های دولت جلوگیری می‌کند، تأثیر چندانی بر تقاضای مؤثر و نیز تهدید امنیت اقتصادی نخواهد داشت، اما اگر این سقف بر حقوق کارمندان عادی و مدیران رده‌پایین انجام شود، موجب فشار دوچندان بر افراد جامعه، کاهش تقاضای مؤثر، شکل‌گیری انواع تجمعات و اعتراضات کارگری، آسیب به بخش تولید از دو ناحیه تشدید ریسک و ناطمینانی و تعطیلی تولید و در نهایت تهدید امنیت اقتصادی می‌شود. همچنین، بحث کاهش هزینه‌ها در بخش سلامت نیز نتیجه‌ای جز آسیب هرچه بیشتر به اقتصاد نخواهد داشت؛ زیرا کاهش حمایت‌های دولت در این حوزه از سویی موجب کاهش هرچه بیشتر بهره‌وری و از سوی دیگر، تشدید هرچه بیشتر سرمایه اجتماعی می‌شود و در بازگشت، هزینه‌های بسیار بیشتری به دولت تحمیل می‌کند.

۱. بررسی آمار نشان می‌دهد که در دهه گذشته، وابستگی مستقیم بودجه به نفت حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد بوده است (به‌جز سال ۱۳۹۹). این وابستگی موجب شده است که در سال‌های گذشته به دلیل نوسانات در میزان صادرات یا قیمت نفت، درآمدهای دولت نیز دچار نوسان و دولت با کسری بودجه‌های عمده‌ای مواجه شود. بررسی وابستگی بودجه سال ۱۴۰۱ به نفت حدود ۳۸ درصد برآورد و کسری بودجه در این سال، حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. با توجه به نتیجه‌بخش نبودن مذاکرات و نیز اجرای سیاست حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و پرداخت حجم زیادی از یارانه نقدی برای کنترل واکنش‌ها، احتمال محقق شدن این کسری وجود دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

- اصلاح ساختار بودجه دولت: همان‌طور که گفته شد، بودجه دولت یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری تورم است. از این‌رو اصلاح ساختار بودجه کشور می‌تواند در راه اصلاح اقتصادی و بازگرداندن اعتماد عمومی به دولت باشد. شفافیت در بودجه گام اصلی در نیل به هدف اصلاح ساختار بودجه است. در این باره تعیین تیم متخصص از نهادهای ذی‌ربط از جمله سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی و متخصصان دانشگاهی و اجرایی و اعطای مأموریت ویژه به این تیم ضروری است.

- لزوم اصلاح سیستم مالیات‌ستانی با قید فوریت ایجاد سامانه یکپارچه وضعیت مالی: آنچه درباره سیستم مالیاتی کشور بارها تکرار شده، عدم رعایت عدالت در این سیستم است؛ به‌طوری‌که عمدتاً صاحبان سرمایه تنها مصرف‌کننده خدمات دولت هستند بدون آنکه مالیات پرداخت کنند. لازم است تا تمام اقشار جامعه و تمام سنین و ادار به ثبت‌نام در سیستم جامع مالی کشور شوند تا بر اساس آن و مطابق قانون مالیات بر مجموع درآمد، از افراد مالیات‌های متناسب دریافت شود. برای ایجاد ضمانت پیوستن به این سیستم و ارائه اطلاعات درست می‌توان از قوانین جزایی دیگر کشورهای موفق و نیز محرومیت‌هایی در قالب ابطال شماره نظام پزشکی، ابطال مصونیت سیاسی، ابطال شایستگی از نمایندگی مجلس، محرومیت دائم از سمت‌های دولتی، افشاسازی کامل اطلاعات متخلفان و... با

در مجموع، برای حصول هدف سال جاری مبنی بر مهارت‌تورم، افزون‌بر مشکلات نهادی و ساختاری باید به چند موضوع دیگر نیز توجه ویژه داشت. نخست، عدم افزایش دستمزدها به تناسب نرخ تورم در کنار انواع انحصارات موجود منجر به کاهش تقاضا و کاهش حاشیه سود فعالان اقتصادی و افزایش تورم در فرایندی زنجیره‌وار خودتقویت‌شونده می‌شود. دوم، هزینه‌های عمده و پیش‌بینی‌نشده برای اجرای برخی از سیاست‌های جاری موجب افزایش کسری بودجه دولت می‌شود و تورم را افزایش می‌دهد. سوم، نبود شفافیت و نامعلوم بودن خط‌مشی دولت در حوزه سیاست خارجی موجب سردرگمی فعالان اقتصادی و متعاقب آن فشار بر بازار ارز از سویی و کاهش هرچه بیشتر انگیزه سرمایه‌گذاری از سوی دیگر می‌شود که نتیجه آن افزایش تورم است. چهارم، ناامیدی و فشارهای دوچندان بر افراد جامعه به‌خصوص قشر متوسط و فقیر برای مثال، از ناحیه افزایش هزینه‌های درمان، افزایش هزینه تغذیه سالم و... موجب کاهش هرچه بیشتر بهره‌وری و محدودیت هرچه بیشتر تولید و متعاقب آن، تشدید تورم می‌شود. پنجم، محدودیت منابع ارزی، اختصاص ارز به موارد غیرضروری و غیرمفید و محروم شدن واحدهای تولیدی از دسترسی به این منابع برای واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای موجب تشدید تورم می‌شود. پس کاملاً مشهود است که نیل به هدف مهارت‌تورم نیاز به سیاست‌گذاری جامع ضمن تأکید بر رفع عوامل اصلی ایجادکننده آن دارد.

سرمایه‌گذاران داخلی نیز است. بنابراین، سیاست‌گذار چاره‌ای جز تلاش برای بهبود وضعیت این شاخص‌ها در سطح بین‌المللی و در مقایسه با دیگر کشورها برای بازگرداندن چهره مثبت به اقتصاد ایران در سطح جهان ندارد. بهبود این شاخص‌ها نیازمند برنامه منسجم و پیوسته است که همراهی و هماهنگی بدنه دولت با وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، صمت، کشاورزی، کار، تعاون و رفاه اجتماعی را نیاز دارد.

منابع

- وزارت اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰). سند رشد غیرتورمی و فقرزدا.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۱). بانک اطلاعات سری‌های زمانی: <https://tsd.cbi.ir/>
- مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۱). داده‌ها و اطلاعات آماری: <https://www.amar.org.ir/>

ضمانت اجرایی بالا استفاده کرد. برای موفقیت این روش لازم است تا فساد در زمینه حسابرسی‌های مالیاتی و نیز فساد در صدور و اجرای احکام در قوه قضائیه هم مدنظر قرار گیرد و برای آن‌ها چاره‌اندیشی شود. درباره سامانه جامع اطلاعات مالی نیز به نظر می‌رسد با توجه به توان و ظرفیت بالای مهندسان کشور، راه‌اندازی سامانه‌ای با کمترین خطا، بالاترین بهره‌وری و در کمترین زمان کاملاً امکان‌پذیر است.

- تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی:
مهم‌ترین راه‌حل ریشه‌ای مسئله تورم، تقویت بخش تولید است. یکی از تنگناهای اصلی در بخش تولید، کاهش شدید سرمایه‌گذاری در کشور در سال‌های اخیر است. این کاهش سرمایه‌گذاری نه تنها موجب کاهش عرضه و در نتیجه، عدم توانایی اقتصاد در پاسخ‌گویی به تقاضای افزایش‌یافته می‌شود، بلکه سبب افزایش تقاضای بنگاه‌ها برای تأمین نیازهای نقدینگی خود از طریق دریافت اعتبار می‌شود. این وضعیت، مسئله افزایش تسهیلات تکلیفی و... را به همراه خواهد داشت. فراهم کردن بسترهای قانونی و نهادی برای تقویت سرمایه‌گذاری خارجی، هم بخش تولید را تقویت می‌کند و هم از فشار بر سیستم بانکی برای تأمین مالی بنگاه‌ها می‌کاهد.

- بهبود شاخص‌های نهادی مانند شاخص‌های کسب‌وکار، فساد و...: درباره این شاخص‌ها باید توجه داشت به‌رغم وارد بودن برخی انتقادات بر برآوردهای نهادهای آماری بین‌المللی از وضعیت ایران، این شاخص‌ها نه تنها ملاک عمل سرمایه‌گذاران خارجی، بلکه ملاک عمل عوامل اقتصادی و